

کالبدشناسی مؤسسات پژوهشی امریکا: محافظه کاران جدید، ایدئولوژی و پژوهش در سیاست خارجی

سیدمحمدکاظم سجادیپور^۱

تولیدات متنوع در رشته روابط بین‌الملل محصول دهه‌های اخیر در زندگی بین‌المللی است. بعد از جنگ جهانی دوم این رشته از علوم اجتماعی، تقریباً در سرتاسر دنیا گسترش یافت و در حال حاضر کمتر کشوری را می‌توان یافت که در رشته روابط بین‌الملل، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی نداشته باشد. به‌رغم گستردگی و جهانی بودن این رشته، واقعیت قابل توجهی را در جامعه شناسی رشته روابط بین‌الملل باید مد نظر قرارداد و آن این که اکثر تولیدات و ادبیات این رشته در امریکا صورت پذیرفته و مؤسسات آموزشی و پژوهشی امریکا، به نوعی شکل دهنده گفتمان‌ها، روش‌ها و مباحث عمده این رشته می‌باشند.

لذا دقت و تجزیه و تحلیل آنچه مؤسسات پژوهشی و آموزشی امریکا در این رشته انجام می‌دهند، از آن جهت حائز اهمیت می‌باشد که صرفاً مباحث مربوطه به امریکا منحصر نشده و تا

۱. دکتر سیدمحمدکاظم سجادیپور، مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

حدود زیادی، گرایش‌های جهانی این رشته را روشن می‌کنند.

در کنار واقعیت کلیدی فوق، موضوع دیگری که در این رشته مانند سایر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی مطرح می‌باشد، مفهوم پژوهش علمی است. بدون ورود در شرح و بسط تعاریف و مراحل مختلف پژوهش علمی، به پژوهش‌گران رشته روابط بین‌الملل تأکید می‌شود که پژوهش‌های آنها، باید بی‌طرفانه باشد و واقعیت‌ها را در یک رابطه منسجم و روشمند با بهره‌برداری از نظریه‌های روابط بین‌الملل در کنار هم قرار داده و دست به استنتاجات علمی بزنند و از این طریق، پدیده‌های روابط بین‌الملل را توصیف^۱، تبیین^۲ و پیش‌بینی^۳ کنند. در این پروسه، داشتن فرضیه^۴ و امتحان و آزمون فرضیه با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون مبنای کار قرار می‌گیرد.^(۱)

کنار هم قرار دادن دو واقعیت فوق یعنی غلبه و هژمونی امریکا در رشته روابط بین‌الملل از یک سو و تکیه بر روش علمی از سوی دیگر این تصور را پیش می‌آورد که مجموعه ادبیات و تولیدات رشته روابط بین‌الملل که در برگیرنده مطالعات سیاست خارجی امریکانیز می‌شود، تولیداتی علمی، منصفانه، بی‌طرفانه و مبتنی بر بهره‌برداری از واقعیت‌ها و خنثی ماندن پژوهشگر در طی تمام مراحل تحقیق می‌باشد. نقد این تصویر، موضوع محوری این مقاله می‌باشد. نقد و بررسی این نحوه نگرش به آن جهت مهم می‌باشد که مخصوصاً در دوره جدید رفتار سیاست خارجی امریکا، نقش برخی از مؤسسات پژوهشی و شبه پژوهشی این کشور در پردازش نظریات و ارائه راه حل‌های اجرایی برای مجموعه دست‌اندرکاران آن کشور، بسیار جدی است و برای همه دنیا به طور عام و منطقه ما به طور خاص، چارچوب‌های فکری این مؤسسات شایان توجه می‌باشد. در خلال کالبدشناسی که از برخی از مؤسسات پژوهشی امریکایی در رشته روابط بین‌الملل در این مقاله به عمل خواهد آمد، روشن خواهد شد که اولاً

1. Description
2. Explanation
3. Prediction
4. Hypothesis

مؤسسات تأثیرگذار تحقیقاتی امریکایی نه تنها علمی به مفهوم دقیق آن فعالیت نمی‌کنند، بلکه کاملاً ایدئولوژیک به معنی داشتن پیش فرض‌های معین و دیدگاه‌های مشخص، قبل از انجام هر پژوهشی می‌باشند. ثانیاً اهمیت "فکر سیاست خارجی"^۱ بدین صورت که ایده‌ها^۲ مهم‌اند و هیچ ایده‌ای را نمی‌توان دست کم گرفت، مدنظر قرار خواهد گرفت. در این زمینه دقت و نقد پیش فرض‌ها^۳ توسط پژوهش‌گران روابط بین‌الملل به عنوان یکی از پایه‌های اصلی پژوهش در سیاست خارجی مطرح خواهد شد و ثالثاً درس‌های کالبدشناسی مؤسسات تحقیقات سیاست خارجی امریکا برای دست‌اندرکاران فکری و اجرایی در منطقه بررسی شده و می‌شود.

باتوجه به کثرت مؤسسات تحقیقاتی سیاست خارجی امریکا و عدم امکان پرداختن به همه آنها در این مقاله صرفاً به آن دسته از مؤسسات امریکایی توجه خواهد شد که در پردازش فکر سیاست خارجی دولت جرج دبلیو بوش سهم به‌سزایی دارند. به عبارت دیگر ایدئولوژی سیاست خارجی محافظه‌کاران جدید^۴ و مؤسسات و مراکزی که در تولید این ایدئولوژی مؤثر می‌باشند مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

برای سهولت در تحلیل، سه پرسش طرح و پاسخ داده خواهد شد. پاسخ به پرسش‌ها، بهره‌های سه‌گانه این مقاله را تشکیل می‌دهند:

۱. با چه چارچوب مفهومی^۵ می‌توان پژوهش‌های سیاست خارجی جاری در امریکا را نقد کرد؟

۲. کدام یک از مؤسسات پژوهشی سیاست خارجی در طراحی سیاست خارجی دولت بوش سهم عمده دارند و تا چه اندازه پژوهش‌های آنها علمی است؟

۳. چه برداشت‌هایی می‌توان از بررسی این مؤسسات برای سیاست‌گذاری در امر سیاست

-
1. Foreign Policy Thinking
 2. Ideas
 3. Assumptions
 4. Neo-Conservatives
 5. Conceptual Framework

خارجی داشت؟

بهره اول: چارچوب مفهومی برای شناخت مؤسسات امریکایی پژوهش در سیاست خارجی ابتدا باید روشن ساخت که مؤسسات امریکایی که درگیر فعالیت در امر تولید ادبیات و نوشتارهای مربوط به سیاست خارجی هستند، یک دست نیستند و تنوع و گستردگی خاصی دارند. در یک تقسیم‌بندی اولیه آنها را می‌توان بدین صورت تقسیم کرد:

۱. مؤسسات وابسته به دانشگاه‌ها نظیر مؤسسه خاورمیانه دانشگاه کلمبیا،^{(۷)۲} مؤسسات تحقیقاتی متمایل به دو حزب عمده یعنی مؤسسه بروکینگز^{(۳)۱} (مؤسسه قدیمی متمایل به حزب دمکرات) و بنیاد هریتیج^{(۴)۲} (مؤسسه نسبتاً جدید متمایل به حزب جمهوری خواه)،
۳. مؤسسات وابسته به نهادهای دولتی مثل دانشگاه دفاع ملی^{(۵)۳} و مرکز تحقیقات کنگره^{(۶)۴}،
۴. مؤسسات وابسته به بنیادهای بزرگ نظیر موقوفات کارنگی برای صلح و امنیت بین‌المللی^{(۷)۵}، و برای اخلاق بین‌المللی^{(۸)۶}،
۵. مؤسسات سنتی سیاست خارجی نظیر شورای روابط خارجی^{(۹)۷}،
۶. مؤسسات حرفه‌ای نظیر انجمن ملی علوم سیاست امریکا^{(۱۰)۸}،
۷. مؤسسات لابی‌گرا و حمایت‌گرا نظیر کمیته ملی یهود امریکا^{(۱۱)۹} و کمیته روابط عمومی امریکایی-اسرائیلی^{(۱۲)۱۰}،
۸. مؤسسات مربوط به نهادهای مخالف حاکمیت امریکا اعم از چپ مانند Nation و Pacifica و راست مخالف مثل گروه لاروش و ۹. مؤسسات متفرقه که دربرگیرنده مؤسسات

-
1. Brookings Institute
 2. Heritage Foundation
 3. National Defense University
 4. Congressional Research Service
 5. Carnegie Endowment for International Peace and Security
 6. Carnegie Endowment for International Ethics
 7. Council on Foreign Relations
 8. American Political Science Association
 9. American Jewish Committee
 10. American Israeli Public Affairs Committee

تحقیقاتی وابسته به کلیساها و مؤسسات مذهبی، اقلیت‌های قومی، نژادی، زبانی و فعالان اجتماعی و سیاسی^۱ می‌گردد.

شایان ذکر است که هرکدام از دسته‌بندی‌های فوق، در درون خود به گروه‌های مختلف و متفاوتی تقسیم می‌شوند. اما همه آنها در یک مسأله مشترکند و آن تولید ادبیات روابط و سیاست خارجی است. با چه مفاهیمی می‌توان این مجموعه گسترده و چند هزار نفری را شناخت؟ "فقدان پژوهش علمی خالص"، "تمایل مشخص اولیه"، "فاصله پژوهش و عمل" و "رابطه قدرت و پژوهش" مفاهیمی هستند که ما را در شناخت این مجموعه گسترده می‌توانند کمک کنند.

۱. "فقدان پژوهش علمی خالص". به جز در موارد معدود و منحصر به فرد، آن هم در مؤسسات وابسته به دانشگاه‌ها، نمی‌توان پژوهشی را یافت که کلاً براساس سیر و پروسه دقیق علمی به مفهوم خالص و کلاسیک آن انجام گرفته باشد. شاید اصلاً چنین انتظاری را نباید در رشته روابط بین‌الملل، به خاطر تعدد فوق‌العاده متغیرها^۲ و عدم امکان کنترل آنها به دلیل تحول و تغییر فراوان، را داشت. البته این به معنی بی‌توجهی به روش‌های علمی و منسجم بودن در نحوه فکر، گردآوری داده‌ها و ایجاد ارتباط بین متغیرها، توسط پژوهش‌گران امریکایی نیست. بلکه آنچه مورد تأکید می‌باشد آن که انجام پژوهش علمی، آن‌گونه که در سایر رشته‌های علوم^۳ صورت می‌پذیرد، در رشته روابط بین‌الملل کاملاً مقدور نیست.

۲. "تمایل مشخص اولیه پژوهش". به طور مشخص هرکدام از مؤسسات تحقیقاتی و هر یک از پژوهش‌گران، از ابتدا تمایل مشخص و معینی را دارند و تا انتهای کار این تمایل را حفظ می‌کنند. این تمایل مشخص اولیه، بعضاً نتیجه تحقیق را از ابتدا روشن می‌کند و به طور طبیعی گزینش موضوع، گردآوری اطلاعات و ایجاد ارتباط بین متغیرها، تحت تأثیر عمیق آنچه که پژوهش‌گران می‌خواهند ببینند، قرار می‌گیرد.

1. Social and Political Activists

2. Variable

3. Science

در مواردی که این تمایل اولیه شدید و غلیظ است می‌توان از ایدئولوژی پژوهش یاد کرد. بدین معنی که پژوهش‌گران، نه در پی کشف حقایق از طریق بررسی منسجم وقایع و پدیده‌ها، بلکه در پی تحمیل ذهنیت‌های خود بر واقعیت‌ها هستند و در مرحله جدی‌تر در پی ایجاد واقعیت‌هایی در خارج از طریق گفتمان‌های^۱ از پیش مشخص می‌باشند.^(۱۳)

۳. "فاصله پژوهش و علم" به‌رغم کثرت تولید نوشتارهای روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در امریکا، نباید نچاپ و طرح نظرات را الزاماً به معنای اجرای آنها دانست. بسیاری از پژوهش‌ها، به‌رغم دقت‌هایی که در گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها در آنها ممکن است به کار رفته باشد، در عمل مورد استفاده و شاید مورد مطالعه هم قرار نمی‌گیرند. فاصله پژوهش و اجرا پدیده‌ای جهانی و فراگیر بوده و خود موضوع پژوهش‌های مختلفی واقع گردیده است و این موضوعی مستقل و درخور بحثی مبسوط می‌باشد.^(۱۴) اما در شناخت مؤسسات پژوهشی سیاست خارجی امریکا تاکید بر این نکته ضروری است که نباید الزاماً پنداشت که همه آنها مورد توجه مجریان قرار گرفته و به سیاست‌های رسمی تبدیل می‌شوند.

۴. "ارتباط قدرت و پژوهش". در مارپیچ تو در توی قدرت در امریکا، رقابت سختی برای رسیدن به قله قدرت وجود دارد. این رقابت پیچیده قوانین و قواعد نوشته و نانوشته خود را دارد. یکی از حوزه‌ها در این راستا چگونگی تصویری است که مدعیان قدرت از امریکا از نظر داخلی و خارجی عرضه می‌کنند، بدین معنی که امریکا در چه وضعیتی است؟ نقاط ضعف و آسیب پذیر آن کدامند؟ چگونه دشمنی آن را تهدید می‌کند؟ چگونه امریکا باید با انواع تهدیدات مقابله کند و چگونه باید آینده را سامان دهد؟ جواب به این سؤالات و قانع کننده بودن آنها در کسب قدرت مخصوصاً در پروسه‌های انتخاباتی مؤثر می‌باشد. در اینجا است که بسیاری از مؤسسات با -گرایش‌های اولیه و ایدئولوژیکی که دارند- فرصتی برای بازاریابی پاسخ‌های خود پیدا می‌کنند و در مواردی این مسیر وسیله‌ای برای پیاده کردن ایده‌ها و نظراتی است که آن‌ها قبلاً در نوشته‌های خود به آن پرداخته‌اند.

به عبارت دیگر برخی از مؤسسات می‌توانند از طریق دست‌یابی به قدرت، چند کارکرد توأمان داشته باشند. اول زمینه‌سازی برای کسب قدرت گروهی که تمایلات مشارکت با آن موسسه دارند. دوم، توجیه‌کننده راه و روش قدرت‌مندان همسو در زمانی که آنها به قدرت رسیده‌اند و سوم، شکل دادن به مسیر حرکت بین‌المللی امریکا براساس منافع گروه‌هایی که این مؤسسات با آنها منافع مشترک دارند.^(۱۵)

در کنار مفاهیم فوق‌الذکر باید به چند واقعیت در سیاست خارجی امریکا نیز اشاره کرد تا درک جایگاه مؤسسات پژوهشی سیاست خارجی این کشور عمیق‌تر گردد. واقعیت اول آن که در طی سه دهه گذشته، در نهادهای حاکمیتی^۱ شکستگی خاصی به وجود آمده است. شروع بارز این پروسه جریان موسوم به واترگیت در دوران ریاست جمهوری نیکسون (در اوائل دهه هفتاد) بود و اوج آخرین آن در استیضاح بیل کلینتون در اواخر دهه نود و انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۲۰۰۰ بود که نهایتاً جرج دبلیو بوش با رأی دیوان عالی کشور به کاخ سفید راه یافت. شکستگی اقتدار و حاکمیت تقریباً یکپارچه به نوبه خود به ظهور گروه‌های نفوذ^۲ به طرز بی‌سابقه‌ای انجامیده و این پدیده در عرصه مناسبات خارجی نیز تسری پیدا کرده است. هیچ‌گاه در تاریخ روابط خارجی امریکا، گروه‌های نفوذ وابسته به دولت‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی در داخل امریکا برای پی‌گیری اهداف و مقاصد خود اینقدر فعال نبوده‌اند که امروز شاهد هستیم. اگر در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی، شورای روابط خارجی رساترین صدای فکری سیاست خارجی امریکا بود، امروزه آن شورا یکی از صداهاست.^(۱۶)

واقعیت دوم آن که فروپاشی نظام دوقطبی و مرحله طولانی انتقالی سیستم بین‌المللی، پایه‌های فکری سخت و استخوانی شده سیاست خارجی امریکا را مورد چالش جدی قرار داده است. در اثر چنین وضعیتی همراه با تغییرات عمیقی که در داخل جامعه امریکا رخ داده است، به ظهور دیدگاه‌ها و نظرات متعدد و رنگارنگی در مورد نقش امریکا در دنیای جدید انجامیده که

1. Establishments

2. Interest Groups

بعضاً صد در صد با دیگری در تضاد می‌باشد. نقش مؤسسات تحقیقاتی متنوع در سامان دادن به این افکار متضاد در فضای کنونی حائز اهمیت می‌باشد. اینکه امریکا چگونه جهانی را باید بسازد؟ امروزه پاسخ‌های متفاوتی دارد که با دوران جنگ سرد متفاوت است. مؤسسات تحقیقاتی سیاست خارجی نقش کاتالیزوری ویژه‌ای در پالایش افکار پراکنده در این زمینه دارند.^(۱۷)

سرانجام سومین واقعه آن که حوادث تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آنچنان از نظر روحی، سیاسی، فرهنگی و استراتژیک جامعه امریکا را متحول کرده که به سختی می‌توان حادثه مشابهی را در تاریخ امریکا برای آن یافت. در پی این حوادث، گفتمان‌های مختلفی در مورد چگونگی بروز حوادث مزبور پی آمده‌ای آن و آنچه که امریکا باید انجام دهد، در این کشور مطرح شد و برخی از مؤسسات تحقیقاتی، با توجه به گرایش‌های خود و با بهره‌برداری از فضای ترس و اضطرابی که در جامعه امریکا پیش آمده بود، توانستند گفتمان‌های خود را به گفتمان‌های مسلط تبدیل کنند. اگر چنین شرایط و یا متن^۱ در امریکا به وجود نیامده بود، بسیاری از گفتمان‌هایی که امروزه، بر ذهنیت اجرایی امریکا، اثری ساختاری دارند، سرنوشت دیگری پیدا می‌کردند. در متن کنونی جامعه امریکا و گفتمان‌های ایدئولوژیک که امریکا را حق مطلق می‌بینند و دیگران را شر مطلق، سیطره‌ای خاص دارند که بدون توجه به این سیطره، فهم نقش مؤسسات تحقیقاتی سیاست خارجی این کشور کامل نخواهد بود.

از آنچه که در چارچوب معنوی عرضه شد، روشن می‌شود که این صرفاً پژوهش سیاست خارجی نیست که به تولید علم در رشته روابط بین‌الملل در امریکا منجر می‌گردد، بلکه تولید در این رشته منتج از فرازو فرود قدرت و متن اجتماعی و ایده‌هایی است که بتوانند با بهره‌برداری از فضای سیاسی، اقله‌های لحظه‌ای، گروهی و ملی را فراهم آورند.^(۱۸)

بهره دوم: مؤسسات پژوهشی مؤثر در سیاست خارجی بوش

سیاست خارجی دولت فعلی امریکا را نمی‌توان صرفاً به یک عامل و چند عامل منحصر

و محدود کرد. این سیاست خارجی از یک سو تداوم سال‌ها سیاست خارجی امریکا حتی قبل از پایان جنگ سرد می‌باشد و اما از سوئی دیگر سیاست خارجی امریکا، نسبت به دوران قبل -مخصوصاً پیش از یازده سپتامبر ۲۰۰۲- متفاوت می‌باشد. در این میان نقش تعداد معینی از مؤسسات پژوهشی در پردازش فکر سیاست خارجی بوش باید مد نظر قرار گیرد. به طور مشخص از گروهی از آن‌ها با نام محافظه کاران جدید^۱ یاد می‌شود،^(۱۹) که طراحان فکری سیاست خارجی بوش و بعضاً مجریان آن هستند. این گروه کوچک -ولی عمیقاً ایدئولوژیک- ارزیابی‌های مشخص و معینی از وضعیت امریکا- نه براساس تحقیق و پژوهش علمی، بلکه براساس گرایش‌های اولیه خود که عمیقاً پیوند خورده با منافع گروه‌های نفوذ مشخص می‌باشد- دارند. این گروه با دسترسی به قدرت نه تنها، ایده‌های خود در خصوص آنچه که امریکا باید انجام دهد را مطرح می‌کنند، بلکه در پی تحقق عملی آنها نیز می‌باشد. بسیاری از ایده‌هایی که آنها امروز مطرح و اجرا می‌کنند، قبلاً در ادبیات و نوشتارهای تولید شده توسط آنها منتشر شده و با به وجود آمدن شرایط جدید، زمینه تحقق پیدا کرده‌اند. در زیر ابتدا مؤسسات و نهادهای پژوهشی درگیر در پرورش فکر سیاست خارجی دولت بوش، سپس موسساتی که به طور خاص در حوزه مناسبات خاورمیانه متمرکزند و سرانجام هسته‌های اصلی فکر آنها مدنظر قرار می‌گیرد. اصلی‌ترین بنیاد فکری و پژوهشی که در پرورش فکر سیاست خارجی و داخلی دولت بوش موثر بوده است "موسسه ابتکار امریکا برای تحقیق در سیاست‌گذاری عمومی"^۲ موسوم به (AEI) می‌باشد.^(۲۰) این موسسه در ۱۹۴۳ پایه‌گذاری شده و هیچ‌گاه نتوانست با مؤسسات عمده‌ای مثل بروکینگز و یا هریتیج رقابت کند. اما در سال‌های اخیر، این موسسه در قدرت قرار گرفت به گونه‌ای که جرج دبلیو بوش به عنوان مهمان و سخنران ویژه در اجلاس سالانه این موسسه در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۰۳ سخنرانی بسیار مهمی ایراد^(۲۱) کرد و در آن خطوط اصلی اقدامات دولت خود مخصوصاً در قضیه عراق را روشن کرد.

1. Neo-Conservatives

2. American Enterprise Institute for Public Policy Research

AEI با حدود ۵۰ محقق اکثر حوزه‌های داخلی و خارجی را مورد پوشش قرار می‌دهد. افرادی که در AEI به کار تولید فکر مشغولند همگی از گروه‌های دست راستی امریکا می‌باشند. در بین آنها افرادی مانند نیوت گینگریج^۱ رئیس مجلس نمایندگان در کنگره امریکا در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹، جین کیرکپتریک^۲ سفیر سابق امریکا در سازمان ملل، میکِل لدین^۳ که در جریان موسوم به ایران-کنترا در دوره ریگان نقش داشت، ریچارد پرل^۴ رئیس شورای مشاوران پنتاگون و یکی از طراحان حمله به عراق و رابرت بروک^۵ قاضی اسبق دیوان عالی کشور امریکا به چشم می‌خورد.

AEI از زمره اولین موسسات امریکایی بود که حمله نظامی به عراق را توصیه کرد و مفهوم تغییر رژیم^۶ را درباره عراق و برخی از کشورهای دیگر مطرح کرد.

طراحان کنونی دولت بوش، با پیوندهایی که در قالب موسساتی چون AIE داشتند، در بهار ۱۹۹۷ طرحی فکری با عنوان "پروژه برای قرن جدید امریکائی"^۷ (۲۲) راه‌اندازی کردند که تقریباً همه حرف‌ها و رفتارهای فعلی دولت بوش در آن منعکس است. این پروژه به ریاست ویلیام کریستول^۸ (۲۳) و مدیریت آن را افرادی مانند رابرت کیگن^۹ (۲۴) دون گافنی کراس^{۱۰}، بروس جکسون^{۱۱} و جان بولتون^{۱۲} (که در حال حاضر معاون تندروری وزارت خارجه امریکا می‌باشد) به

-
1. Newt Gingrich
 2. Jeane Kirkpatrick
 3. Michael Ledeen
 4. Richard Perle
 5. Robert Bork
 6. Regime Change
 7. The Project for the New American Century
 8. William Kristol
 9. Robert Kagan
 10. Devon Gaffney Cross
 11. Bruce Jackson
 12. John Bolton

عاهده داشتند. این پروژه گزارشی با عنوان بازسازی دفاع امریکا: استراتژی، نیروها و منابع برای قرن جدید^۱ به قلم نهائی توماس دانلی^۲(۲۵) منتشر ساخت. مسؤولیت تحقیق درباره مسائل امنیت ملی در AEI به عهده نامبرده می‌باشد. وی مؤلف گزارش مهم AEI با عنوان چشم‌انداز امنیت ملی از نظر AEI^۳ می‌باشد. جالب است بدانیم که پال ولفیتز^۴ معاون فعلی وزارت دفاع امریکا جزو تیم ۲۷ نفره این پروژه بود.

در کنار AEI به عنوان اصلی‌ترین نهاد فکری مؤثر در سیاست‌گذاری دولت کنونی امریکا باید به نقش کلیه مؤسسه‌های تحقیقاتی دست راستی نظیر هریتیج نیز توجه شود. برای دستیابی به چهره کامل‌تری از مؤسسات پژوهشی محافظه‌کاران، علاوه بر آنچه ذکر شد باید به این مؤسسات نیز اشاره کرد: "مرکز اخلاق و سیاست‌گذاری عمومی"^۵(۲۶)، "مرکز مطالعه فرهنگ عامه"^۶(۲۷)، "امریکا را قدرتمند کنید"^۷(۲۸)، "مؤسسه هادسون"^۸(۲۹)، "امریکائی‌ها آماده برای پیروزی بر تروریسم"^۹(۳۰)، "مرکز سیاست‌گذاری امنیتی"^{۱۰}(۳۱) همچنین باید به نقش کلیدی چند نشریه دست راستی که در پرورش، پالایش و گسترش افکاری که در مؤسساتی نظیر AEI تولید شده و می‌شوند عنایت کرد. مشهورترین مجله ویکلی استاندارد^{۱۱} به مدیریت ویلیام کریستول^{۱۲} می‌باشد. این نشریه هفتگی با تیراژ ۱۵۵/۰۰۰ نسخه سخنگوی اصلی و عمومی این

-
1. *Rebuilding America's Defenses: Strategy, Force and Resources for a New Century*
 2. Thomas Donnelly
 3. AEI's National Security Outlook
 4. Paul Wolfowitz
 5. *Ethnics and Public Policy Center*
 6. *Center for the Study of Popular Culture*
 7. *Empower America*
 8. *The Hudson Institute*
 9. *Americans for Victory Over Terrorism*
 10. *Center for Security Policy*
 11. *Weekly Standard*
 12. William Kristol

افراد است. به علاوه مجله منافع ملی^۱ در قالب سنگین تر و با ظاهر پژوهشی بیشتری، ایده‌های افراد و گروه‌های مزبور را منعکس می‌کند. به علاوه مجلاتی نظیر تفسیر^۲، منافع عمومی^۳، معیار جدید^۴، امور اولیه^۵، صفحه اول^۶ و نقد سیاست‌گذاری^۷ نیز اشارت داشت.

باید همچنین از نوشته‌های ستون نویس‌های محافظه کار نام برد، عمده‌ترین این افراد عبارتند از: لیندا چاوز^۸، موناچارن^۹، پال گرینبرگ^{۱۰}، مایکل کلی^{۱۱}، چارلز کراسمر^{۱۲}، مایکل مدود^{۱۳}، فرانک کافنی^{۱۴}، یونال گلدبرگ^{۱۵}، دیوید هروتیس^{۱۶}، مایکل بارون^{۱۷}، جان لئو^{۱۸}، مایکل لیدین، جف جاکوبی^{۱۹} و هیلتون کریمر^{۲۰}، ستون‌های این افراد در روزنامه‌های محافظه کار نظیر وال استریت ژورنال^{۲۱} و واشنگتن تایمز^{۲۲} و همچنین در سایر روزنامه‌های

1. National Interest
2. Commentary
3. Public Interest
4. The New Criterion
5. First Things
6. Front Page
7. Policy Review
8. Linda Chavez
9. Mona Charen
10. Paul Green berg
11. Michael Kelly
12. Charles Krauthammor
13. Michael Medved
14. Frank Gaffney
15. Jonal Goldberg
16. David Horowitz
17. Michael Barone
18. John Leo
19. Jeff Jacoby
20. Hilton Kramer
21. Wall Street Journal



امریکا منتشر می‌شوند و بعضاً چند صد هزار خواننده دارند.

آنچه که مطرح شد، ترسیم سیمائی اجمالی از مؤسسات و نهادهای محافظه کاران جدید در سطحی کلان بود. حال باید دید که درخصوص سیاست خارجی امریکا، چه موسساتی در حال حاضر در امریکا بین پژوهش و قدرت پیوند زده و سیاست‌های دولت را شکل می‌دهند.

در این رابطه ابتدا باید تاکید کرد که در AEI، گروهی از پژوهشگران در مورد کشورهای خاورمیانه پژوهش کرده و ایده‌های لازم برای گروه‌های دست راستی را تولید می‌کنند.

در ادامه این مقاله روشن خواهد شد که در حرف‌ها و نوشتارهای همگی افراد می‌توان به مایکل لیدین، رثول مارک گرخت^(۲۳) و دانیل پلتکا^(۲۴) اشاره کرد. هر سه این افراد با انتشار مقالاتی "تغییر رژیم" را در مورد کشورهای خاورمیانه از جمله درباره عراق و ایران شدیداً دنبال کرده‌اند. شایان ذکر است که AEI در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۲ کنفرانسی درباره عراق بعد از صدام راه‌اندازی کرد که در آن برنارد لوئیس^{۲۵}، شرق شناس معروف انگلیسی و استاد بازنشسته دانشگاه پرینستون از لزوم از سرگیری قالب جدیدی از استعمار غربی در خاورمیانه سخن گفت. برنارد لوئیس عمده‌ترین متفکر غربی امور خاورمیانه است که تمام پیروان محافظه کاران جدید و قدیم، ایده‌های وی در مورد ضد دمکراتیک بودن ساختاری خاورمیانه و لزوم تغییر حتی بازور- توسط غرب را دنبال می‌کنند.

اما در بررسی افکار دست اندرکاران کنونی در مورد خاورمیانه باید به نقش موسسه واشنگتن برای سیاست‌گذاری خاور نزدیک^{۲۶} موسوم به (WINEP) دقت خاصی کرد. این موسسه که در اوائل دهه هشتاد، فعالیت خود را آغاز کرده است، بی‌شک در طی دو دهه گذشته، موثرترین موسسه در شکل دادن به سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه بوده است. نمی‌توان WINEP را

22. Washington Times

23. Reuel Marc Gerecht

24. Daniele Pletka

25. Bernard Lewis

26. Washington Institute for New East Policy

صرفاً یک موسسه محافظه کاری جدید نامید ولی قطعاً در بسیاری از چارچوب‌ها با آنها همراه بوده و هست و تولیدکننده بسیاری از ایده‌هایی می‌باشد که مطلوب و محبوب محافظه کاران است. از جمله این نگرش‌ها می‌توان گفت نه فقط حمایت همه جانبه از اسرائیل، بلکه نگاه کردن به منافع امریکا از دید منافع اسرائیل و آن هم از دید بخش تندرو و حاکمیت اسرائیل و اعتقاد به همسانی این منافع با منافع واشنگتن، یکی از پایدارترین خطوط فکری است که WINEP همگام با محافظه کاران در پیشبرد آن تلاش می‌کند.

هیچ‌کدام از موسسات، مانند WINEP در تولید فکر و ادبیات در مورد کشورهای خاورمیانه - و عمدتاً با دید منفی نسبت به آن کشورها - فعال نبوده است. در مورد ایران طی چند سال گذشته، WINEP تحقیقات مختلفی به چاپ رسانده که همگی ضد ایران بوده است و انواع برخوردهای خصمانه با ایران را توصیه می‌کنند. برخی از آنها که محصول یک دهه فعالیت پژوهشی هستند عبارتند از: دسته‌بندی شیطان: شعار و سیاست دولت بوش نسبت به رژیم‌های یاغی^(۳۴) دولت‌های رادیکال خاورمیانه^(۳۵) و سیاست امریکا، سیاست اتمی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: ارزیابی برنامه^(۳۶) شرکاء در نیاز: رابطه استراتژیک ایران و روسیه^(۳۷)، به سوی سایه‌ها: نگرهبانان رادیکال در ایران خاتمی^(۳۸)، ایران در دوران خاتمی: ارزیابی سیاسی، اقتصادی و نظامی،^(۳۹) مرداب اقتصادی ایران: سوء مدیریت و سقوط در دوران خاتمی،^(۴۰) قدرت نظامی ایران: توانایی‌ها و نیت‌ها^(۴۱)، چه کسی بر ایران حکومت می‌کند: ساختار قدرت در جمهوری اسلامی،^(۴۲) انقلاب در تقاطع و سیاست داخلی ایران و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای،^(۴۳) چالش ایران برای غرب: چگونه، چه موقع و چرا؟^(۴۴)

خلیل زاد، عضو ارشد شورای امنیت ملی امریکا، در سخنرانی خود در تاریخ ۲ اوت ۲۰۰۲، چارچوب سیاست‌های بوش در مورد ایران را در این موسسه اعلام کرد.^(۴۵)

شایان ذکر است که WINEP بیش از دو سال پیش، دست به انتشار گزارشی زد که نتیجه بررسی و توصیه حدود ۳۰ نفر از دست‌اندرکاران امور خاورمیانه امریکا برای رئیس جمهور امریکا بود.^(۴۶) در این گزارش انواع سیاست‌ها در قبال عراق و سایر کشورهای خاورمیانه به

تشریح مورد بررسی قرار گرفت. یکی از انتخاب‌هایی که در خصوص عراق در این گزارش مطرح گردید، تغییر رژیم بود. این خط را در تحقیقات مختلفی که درباره عراق منتشر ساخته است می‌توان مشاهده کرد. (۴۷)

تأحدودی مؤسسات پژوهشی سیاست خارجی محافظه کاران بررسی شدند، حال باید روشن ساخت که محورهای اصلی تفکر سیاست خارجی محافظه کاران جدید چیست؟ بازشناسی این تفکرات، درحقیقت بیان کننده گرایش‌های اولیه و مشخص انبوه ادبیاتی است که مؤسسات مزبور به چاپ می‌رسانند. این گرایش‌ها در عین حال راهنمای عمل دولت فعلی امریکاست و پلی بین این فکرسازان محافظه کار و صاحبان قدرت زده، خطوط عمل و رفتار سیاست خارجی این کشور را جهت و سامان می‌دهد.

۱. "اشتباه بودن تفکر لیبرال‌ها؛ غالب نوشته‌های محافظه کاران امریکایی، شدیداً به گروه‌های لیبرال هموطن خود حمله می‌کنند و آنها را مسؤول نابسامانی‌هایی می‌دانند که برای امریکا در داخل و خارج به وجود آمده است. جدی نگرفتن قدرت امریکا، توجه بیش از حد به روش‌های چند جانبه‌گرایانه، بهادادن به اتحادها و ائتلاف‌هایی که برتری امریکارا بر نمی‌تابند و خجول بودن در طرح منافع امریکا، مواردی است که محافظه کاران در ادبیات خود لیبرال‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند. آنها متقابلاً روش‌های قاطع که می‌تواند یک جانبه نیز باشد را توصیه می‌کنند که امریکا محکم و باصلابت باید منافع خود را به پیش برد. (۴۸)

۲. "برتری ارزشی و قدرتی امریکا؛ محافظه کاران نو اعتقاد عمیقی به برتری همه جانبه امریکا دارند. از نظر آن‌ها، امریکا شهری درخشان^۱ است که باید جهان را به سمت نور هدایت کند و علاوه بر حقانیت ارزشی، توان لازم برای بهسازی جهان را دارد. محافظه کاران جدید نوعی حقانیت مذهبی توأم با ماموریت مذهبی برای امریکا قائلند. (۴۹)

۳. "لزوم استفاده از قدرت نظامی برای تحقق اهداف امریکا؛ محافظه کاران جدید معتقدند که امریکا باید از قدرت نظامی خود، استفاده کند. قدرت نظامی به صورتی پیشگیرانه باید برای

مقابله با حملاتی که ممکن است در آینده علیه امریکا رخ دهد، به کار گرفته شود. نیت‌های مخالفان امریکا روشن است، قبل از این که آنها توانایی‌های لازم برای ضربه زدن به امریکا را پیدا کنند، باید با توسل به قدرت نظامی - حتی در صورت لزوم استفاده از جنگ افزارهای هسته‌ای - توان آنها را در هم کوبید.^(۵۰)

۴. "تهدیدات ترکیبی برای امریکا"؛ از نظر محافظه کاران جدید، ترکیبی از تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و رژیم‌های ضد امریکایی، منافع امریکا را تهدید می‌کنند. این تهدیدات جدی و غیرقابل اغماض بوده و امریکا باید به صورت ریشه‌ای با پدیده‌های فوق برخورد کند. علاوه بر مقابله همه جانبه با این تهدیدات، امریکا باید به عواملی که شرایط فعلی را به وجود آورده‌اند، توجه ساختاری کند. افکار و ایده‌های ضد امریکائی و ضد دموکراتیک و محیط‌هایی که به رشد چنین افکاری اجازه می‌دهند باید کانون توجه استراتژیک امریکا قرار گیرد.

۵. "تغییر خاورمیانه از طریق نظامی"؛ خاورمیانه تهدید آمیزترین منطقه برای منافع امریکا است. علت تهدید آمیز بودن، شرایط به وجود آمده توسط دو دسته حکومت می‌باشد. دسته اول حکومت‌های دشمن امریکا هستند که در جهت گسترش سلاح‌های امحاء جمعی و استفاده از تروریسم به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند. دسته دوم حکومت‌های دوست امریکا هستند که طی پنج دهه با بهره‌برداری از دوستی امریکا، محیط‌های ناهنجاری به وجود آورده‌اند که کانون رشد و گسترش تروریسم رادیکال ضد امریکائی شده است. با این تحلیل از وضعیت خاورمیانه، محافظه کاران جدید، معتقدند که راه تغییر چنین وضعیتی استفاده از قدرت نظامی امریکا و تغییر رژیم‌های موجود در خاورمیانه می‌باشد.^(۵۱)

۶. "ساختن دنیای جدید با تعریف جدیدی از امریکا"؛ محافظه کاران جدید با عنایت به آنچه گفته شد، معتقدند که دنیای جدیدی را باید سامان داد که در صورت لزوم حتی همه قوانین آن دوباره نوشته شود. امریکا با اتکاء به قدرت نظامی خود باید مانند قیصرهای روم، نظم جدیدی را شکل دهد و مقررات جدید زندگی بین‌المللی را ترسیم کند. برتری ارزشی امریکا، اقتضای آن را دارد که این کشور، نظم دهنده نهائی همه مناسبات جهانی باشد.

آنچه که به عنوان هسته‌های اصلی تفکر محافظه کاران ذکر شد، درحقیقت منظومه‌ای ایدئولوژیک را تشکیل می‌دهند که نه براساس واقعیت‌ها، بلکه برای شکل دادن به واقعیت‌های جدید و مطلوب گروه مزبور می‌باشد. از آنجا که بحث این مقاله نقد افکار محافظه کاران نیست به صحت و سقم نظرات و ضعف‌های ساختاری آنها و همچنین به مقاومت‌هایی که در مقابل ایده‌های فوق در داخل و خارج امریکا در قالب‌های فکری و عملی وجود دارد پرداخته نمی‌شود. هدف اصلی روشن کردن این واقعیت است که بسیاری از پژوهش‌های سیاست خارجی امریکا، از خاستگاهی ایدئولوژیکی برخاسته و در پی مقاصدی مشخص از نظر سیاسی و استراتژیک می‌باشند. (۵۲)

بهره سوم: برداشت‌هایی برای پژوهش و اجرا در سیاست خارجی

از آن‌چه که مطرح شد برداشت‌های مختلفی می‌توان کرد در کانون این برداشت‌ها، اهمیت توجه به ایده در سیاست خارجی است که در سطوح زیر ابعاد گوناگون آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. "جدی گرفتن ایده‌ها؟ چرا ایده‌ها در سیاست خارجی مهم هستند و باید آنها را جدی گرفت؟ شاید یکی از پاسخ‌ها، روشن نبودن مفهومی و تئوریک منافع ملی^۱ می‌باشد. هر چند بخشی از منافع ملی هر کشور مانند حفظ مرزها، تمامیت ارضی و حفظ سیستم سیاسی روشن بوده و جنبه منافع حیاتی پیدا می‌کند، اما مفهوم منافع ملی، موسع بوده و چگونگی تعریف آن خود بستگی به این دارد که چه کسی آن را تعریف می‌کند و چگونه تعریف می‌کند و با چه منفعت شخصی، گروهی، حزبی و جناحی آن را تعریف می‌کند. اینجاست که ایده‌ها مطرح می‌شوند. ایده‌های سیاست خارجی در حقیقت پاسخ‌های مختلف به این سؤال است که یک کشور چه جهتی را باید برود و چه نقشی را باید ایفاء کند.

ایده‌ها را باید جدی گرفت و در مورد آن‌ها پژوهش کرد و نباید انتظار داشت که

محصولات نهادهای پژوهشی امریکا چیزی جز ایده‌های خاصی با منافع خاص باشند. محافظه کاران جدید به تعبیری جدید نیستند. حرف‌های آنها تداوم ایده‌های گذشته می‌باشد. البته قالب و شکل جدیدی که آنها از اوایل دهه ۹۰ به خود گرفتند، تفاوت‌هایی با محافظه کاران گذشته دارد. اما هرچه هست کسی ایده‌های آنها را در امریکا چندان جدی نمی‌گرفت. به وجود آمدن شرایط خاصی در امریکا، باعث مطرح شدن ایده‌های آنها و اجرایی و عملیاتی شدن آنها گردید.

ایده‌های محافظه کاران که بعضاً قالب ظاهری علمی و پژوهشی دارد، چیزی جز یک ایدئولوژی کم و بیش منسجم نیست که تحلیل مشخصی را از شرایط امروز امریکا دارد و رویانی برای آینده آن کشور. بی‌جهت نیست که دولت کنونی امریکا را از زمره ایدئولوژیک‌ترین دولت‌ها در تاریخ معاصر امریکا می‌توان نامید.

۲. "متن اجتماعی و ایده سیاست خارجی"؛ ایده‌ها به خودی خود نمی‌توانند باعث تحول شوند، آنچه از مورد مطالعه محافظه کاران جدید امریکا می‌توان استنباط کرد این است که اگر شرایط ناشی از عملیات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۲ به وجود نیامده بود، ایده‌های آنها امکان تجلی و بروز کنونی را نمی‌یافت. بر همین منوال شرایط قبل از یازده سپتامبر نیز باید مد نظر قرار گیرد. به‌رغم موفقیت‌های اقتصادی حکومت دمکرات‌ها در دوران هشت ساله بیل کلینتون از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰، افتضاح‌های اخلاقی نظیر قضیه مونیکالونسکی و بحران‌های فرهنگی ناشی از آن جریانات، در پیروزی جمهوری خواهان به طور کلی و محافظه کاران نو به طور اختصاصی موثر بودند.

۳. اهمیت داشتن و پردازش ایده‌های سیاست خارجی؛ نه فقط ایده‌ها و متن‌های اجتماعی ایده‌ها را باید جدی گرفت، بلکه داشتن و پردازش ایده‌های سیاست خارجی نیز به همان اندازه مهم‌اند. چراکه نبردی برای ساختن^۱ دنیای روابط بین‌الملل در جریان است و هرچند که در این

ساختن، قدرت مادی و سخت‌افزاری^۱ سهم عمده‌ای دارد ولی نمی‌توان از نقش قدرت نرم‌افزاری^۲ که عمدتاً برگرفته و در ارتباط با ایده‌ها، نحوه شکل دادن و عرضه کردن آن‌هاست، غافل بود.

سخن پایانی

این مقاله روشن ساخت که مطالعه مؤسسات پژوهشی سیاست خارجی محافظه‌کاران امریکائی و گروه حاکم در این کشور نشان می‌دهد که پژوهش خالص علمی، بیطرفانه و عاری از جهت‌گیری‌های گوناگون کالانی نادر است. از آنجا که اکثر مؤسسات تولیدکننده پژوهش روابط بین‌الملل در امریکا قرار دارند باید باشناخت پیش‌فرض‌ها و گرایش‌های اولیه هرکدام از مؤسسات، به چگونگی ارتباط آنها با قدرت توجه کرد، زیرا به‌رغم فراوانی تحقیق و پژوهش روابط بین‌الملل بین‌فکر و اجرا در سیاست خارجی امریکا هم فاصله‌های جدی وجود دارد و روش‌های پژوهش‌های آن دسته از مؤسسات امکان ظهور و بروز موثری پیدا می‌کنند که به قدرت حاکم وابسته باشند. پژوهش‌های موسساتی که به قدرت می‌رسند در واقع امر چیزی جز مجموعه‌ای از ایده‌ها نیست. ایده‌هایی که قصد آنها تولید و پرورش دنیای جدید و متفاوتی می‌باشد که در آن منفعت و سودمندی امریکا در قالبی نوین تعریف می‌شود.

مخلص کلام در این مقاله روشن شد که مؤسسات پژوهشی مسلط در سیاست خارجی امریکا، مجموعه‌های ایدئولوژیک هستند و مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که ایده‌های سیاست خارجی را باید جدی گرفت، مطالعه کرد و مهم‌تر آن که ایده‌های سیاست خارجی را پردازش کرد.

1. Hardware

2. Software

یادداشت‌ها

۱. برای آشنایی با سیر پژوهش علمی در روابط بین‌الملل مراجعه کنید به: محمود سریع‌القلم، سیر روش و پژوهش در روابط بین‌الملل، (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱).

۲. برای آشنایی با Middle East Institute مراجعه کنید به:

www.mideasti.org

۳. برای آشنایی با Brookings Institute مراجعه کنید به:

www.brook.edu

۴. برای آشنایی با Heritage Foundation مراجعه کنید به:

www.heritage.org

۵. برای آشنایی با مؤسسات تحقیقاتی دانشگاه دفاع ملی National Defense University نگاه کنید به:

www.ndu.edu

۶. برای آشنایی با مرکز تحقیقات کنگره Congressional Research Service مراجعه کنید به:

www.ncseonline.org/CRS

۷. برای آشنایی با موقوفات کارنگی برای صلح و امنیت بین‌المللی Carnegie Endowment for International

Peace and Security مراجعه کنید به:

www.ceip.org

۸. برای آشنایی با موقوفات کارنگی برای اخلاق بین‌المللی مراجعه کنید به Carnegie Endowment for

International Ethnics. Carnegie council on Ethics and International Affaris:

www.carnegiecouncil.org

۹. برای آشنایی با شورای روابط خارجی Council on Foreign Relations مراجعه کنید به:

www.afpc.org

۱۰. برای آشنائی با انجمن علوم سیاسی امریکا American Political Science Association مراجعه کنید به:

www.apsanet.org

۱۱. برای آشنائی با کمیته ملی یهود امریکا American Jewish Committee نگاه کنید به:

www.ajc.org

۱۲. برای آشنائی با کمیته روابط عمومی امریکائی - اسرائیلی American-Israeli Public Affairs Committee

(AIPAC) مراجعه کنید به:

www.aipac.org

۱۳. برای بحث نسبتاً جامعی در مورد مفهوم ایدئولوژی مراجعه کنید به:

Edward Shils, "Ideology: The Concept and Function of Ideology", in *International Encyclopedia of Social Science* (New York: The Mcmillan Company & the free press, 1992), Vol. 7-8, pp. 66-85.

۱۴. برای فاصله پژوهش و عمل در امریکا نگاه کنید به:

Bridging the Gap: Theory and Practice in Foreign Policy (Washington D.C: U.S. Institute of Peace, 1993).

۱۵. برای رابطه بین زبان، ایدئولوژی و قدرت نگاه کنید به بخش اول در نورنس فرکلاف، *تحلیل انتقادی*

گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته، پسران و دیگران (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹) صص ۲۵ تا ۱۱۷.

۱۶. قصد این نیست که اهمیت شورای روابط خارجی کم جلوه داده شود. هنوز شورا کانون مهم فکرسازی سیاست خارجی می‌باشد ولی هژمونی خود را از دست داده است.

۱۷. جواب به این سؤالات به رغم تعدد مؤسسات تحقیقاتی، در قالب یک جانبه‌گرایان، چندجانبه‌گرایان و انزواگرایان قابل تقسیم بندی است.

۱۸. برای بحث نسبتاً جامعی در مورد این متن (Context) در سطوح مختلف مخصوصاً در سطح جهان نگاه کنید به:

Ken Booth and Tim Danne (Editors) *Worlds in Collision: Terror and the Future of Global order* (New York: Palgrave, 2002).

۱۹. برای چگونگی به قدرت رسیدن محافظه کاران و موسسات محافظه کار در دو سال گذشته مراجعه کنید به:

Stephen Fidler and Gerard Baker, "America's Democratic Imperialists: How the Neo-Conservatives rose from Humility to Empire in Two Years", *Financial Times*, March 6, 2003, p. 11.

۲۰. مراجعه کنید به:

<http://www.aei.org>.

۲۱. در این نطق، جرج بوش نقش کلیدی AEI را مورد ستایش قرار می‌دهد و می‌گوید "در AEI برخی از مهم‌ترین مغزهای ملت ما روی بزرگترین چالش‌هایی که ملت ما با آنها روبه‌رو هست کار می‌کنند. شما آنچنان کار خوبی را انجام می‌دهید که دولت، بیست نفر از چنین نفرهایی را مورد استفاده قرار داده است. محققان AEI مشارکت‌های حیاتی به کشور و دولت ما داشته‌اند و من از مشارکت آنها سپاسگزارم، مراجعه کنید به:

<http://www.aei.org>

۲۲. برای دسترسی به این گزارش نگاه کنید به:

www.newamericancentury.org

۲۳. ویلیام کریستول تقریباً عمده‌ترین فعال فکری - سیاسی محافظه کاران جدید است. وی سردبیر ویکیلی استاندارد می‌باشد. هفته نامه مزبور بر دست‌اندرکاران اجرایی تأثیر بسیاری دارد. هرالد تریبون گزارشی با این عنوان چاپ کرد که هر گاه ویکیلی استاندارد سخن می‌گوید کاخ سفید گوش می‌دهد.

David Carr, "When this weekly speaks, White House Listens", *International Herald Tribune*, March 12, 2003.

۲۴. Robert Kagan, یکی از عمده‌ترین نظریه پردازان محافظه کار، معتقد است که اصل اختلاف اروپا و آمریکا، به دو ایده برمی‌گردد. ایده اروپا، ایده کانتی و مبتنی بر اهمیت و اعتبار دادن به قرارداد اجتماعی و ایده آمریکا، ایده هابزی است که قدرتی برتر باید به جنگل آشفته روابط بین‌الملل با ایجاد هژمونی خود، نظم ببخشد. مراجعه کنید به:

Robert Kagan, *Of Paradise and Power* (New York: Kropf, 2003).

۲۵. Thomas Donnelly از مهم‌ترین طراحان و مدافعان دکترین پیش‌گیرانه جرج بوش می‌باشد. برای آشنائی با افکار وی مراجعه کنید به:

Thomas Donnelly, *The Underpinnings of the Bush Doctrine*, *National Security Outlook* (AEI online), Feb. 1, 2003.

۲۶. برای آشنائی با Ethics and Public Policy Center مراجعه کنید به:

www.eppc.org

۲۷. برای آشنائی با Center for the Study of Popular Culture مراجعه کنید به:

www.cspc.org

۲۸. برای آشنائی با Empower America مراجعه کنید به:

www.empower.org

۲۹. برای آشنائی با Hudson Institute مراجعه کنید به:

www.hudson.org

۳۰. برای آشنائی با Americans for Victory Over Terrorism مراجعه کنید به:

www.avot.org

۳۱. برای آشنائی با Center for Security Policy مراجعه کنید به:

www.centerforsecuritypolicy.org

۳۲. Reuel Marc Gerecht، افسر سابق CIA در امور ایران می‌باشد. نامبرده با نام مستعار Sherrly کتابی درباره تجارب خود در CIA در زمینه ایران نوشت *Know Their Enemy* مراجعه کنید به: ادوارد شرلی، دشمن را بشناس: خاطرات جاسوس، سیا در ایران، ترجمه محمدمهدی جدی نیا و م. سرایدار نیکافر (تهران ۱۳۸۱).

برای آشنائی با ایده‌های فعلی وی درباره ایران و خاورمیانه به عنوان نمونه مراجعه کنید به:

Reuel Marc Gerecht, "Iran Plays the Waiting Game", *New York Times*, March 13, 2003.

-----, "Europe Would Have Only Itself to Blame for Islamic Terrorism", *Financial Times*, Feb. 24,

2003.

----, "Regime Change in Iran?", *The Weekly Standard*, Augusts, 2002.

۳۳. برای آشنایی با برخی از ایده‌های Daniela Pletka مراجعه کنید به:

Daniella Pletka, "Act Now", *U.S.A*, Jan 15, 2003,

----, "End Nuclear Extortion", *Financaial Times* (Germany), Jan 15 2003.

34. Raymond Tanter, *Classifying Evil: Bush Administration Rhetoric and Policy toward Rogue Regimes*, (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 2003).

35. Barry Rubin, *Radical Middle East States and U.S. Polic.* (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 2003).

36. Chen Zak, *Iran's Nuclear Policy and the IAEA: An Evaluation of Program 93+2* (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 2002).

37. Brenda Shaffer, *Partners in Need; The Strategic Relationship of Russia and Iran*, (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 2001).

38. Michael Rubin, *Into the Shadows; Radical Vigilantes in Khatami's Iran*, (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 2001).

39. Patrick Clawson and Others, *Iran under Khatami* (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 1998).

40. Eliyahu Kanovsky, *Iran's Economic Morass; Mismanagement and Decline under the Islamic Republic* (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Poicy, 1997).

41. Michael Eisenstadt, *Iranian Military Power; Capabilities and Intentions* (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 1996).

42. Wilfried Buchta, *Who Rules Iran? The Structure of Power in the Islamic Republic*, (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 2000 and Brookings Institute,

2000).

43. David Menashri, *Revolution at a Crossroads; Iran's Domestic Politics and Regional Ambitions* (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 1996).

44. Patrick Clawson, *Iran's Challenge to the West; How, When, and Why*, (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 1993).

45. Zalmay Khalilzad, "Where is Iran- and U.S. Iran Policy- Heading?," Remarks to the Washington Institute for Near East Policy, August 2, 2002.

46. *Navigating through Turbulence: America and the Middle East in a New Century, the Presidential Study group report*, (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 2001).

۴۷. به عنوان نمونه نگاه کنید به:

Patrick Clawson, *How to Build a New Iraq after Saddam* (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 2002).

برای خلاصه‌ای از این کتاب مراجعه کنید به:

خلیل شیر غلامی، چگونه عراقی نو پس از صدام بسازیم، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ش ۱۶۶، بهمن ۱۳۸۱. جالب آن که در کتابی که این موسسه در ۱۹۹۸ به چاپ رساند امکان اشغال نظامی و چگونگی آنها را به عنوان یکی از انتخاب‌های امریکا ذکر کرد.

Patrick Clawson, *Iraq, Strategy Review: Options for U.S. Policy* (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy, 1998).

۴۸. برای آشنایی با نمونه‌ای از نقد محافظه کاران جدید از سیاست‌های خارجی کلینتون نگاه کنید به:

Reuel Marc Gerech, "While Clinton Slept, How Osama and Saddam Got Away with It", *Weekly Standard*, Feb. 10. 2003.

۴۹. برای تحلیل ذهنیت و ارزش‌های محافظه کاران جدید مراجعه کنید به:

Gary Dorrien, *The Neo-conservative Mind: Politics, Culture, and the War of Ideology* (Philadelphia:

Temple University Press, 1993).

۵۰. نوشته‌های Robert D. Kaplan که گفته می‌شود شدیداً مورد علاقه جرج دبلیو بوش می‌باشد، بر بانی نظمی رومی و مبتنی بر قدرت نظامی را به امریکا توصیه می‌کند مراجعه کنید به:

Robert D. Kaplan, *Warrior Politics: Why Leadership Demands a Pagan Ethos* (New York: Random House, 2001).

بخشی از این کتاب به صورت مقاله‌ای مستقل به چاپ رسیده است.

Robert D. Kaplan, "The World of Achilles: Ancient Soldiers, Modern Warnors", *The National Interest* (Winter 2001, 02), pp. 17-46.

۵۱. برای بررسی نسبتاً جامعی در مورد چگونگی شکل‌گیری گروه‌های محافظه‌کار جدید و ارتباط آنها با اسرائیل مراجعه کنید به: فرید رجائی، "تبارشناسی ایدئولوژی گروه بوش، راست جدید امریکا، چشم‌انداز ایران، ش ۱۷ (۱۳۸۱)، صص ۲۲-۲۳.

۵۲. برای نقد و بررسی دیدگاه‌های بین‌المللی محافظه‌کاران نگاه کنید به:

Frances FitzGerald, George Bush & the World, *The New York Review of Books*, (Sep. 26, 2002), pp 80-85.

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی